

اطلاعیه مطبوعاتی



در نهمین سالروز مرگ زهرا کاظمی در ایران، جان دهها روزنامه‌نگار و وب‌نگار زندانی در خطر است

ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه سه‌شنبه ۲۰ تیرماه ۱۳۹۱ دهها تن از فعالان گزارشگران بدون مرز و روزنامه‌نگاران تبعیدی ایران در برابر دفتر شرکت دولتی ایران ایر در خیابان شانزه لیزه پاریس، تجمعی را در اعتراض به بازداشت خودسرانه و شکنجه روزنامه‌نگاران و وب‌نگاران در ایران که برخی از آنها جان خود را از دست داده و برخی دیگر در خطر مرگ قرار دارند، برگزار کردند.

ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه سه‌شنبه ۲۰ تیرماه ۱۳۹۱ دهها تن از فعالان گزارشگران بدون مرز و روزنامه‌نگاران تبعیدی ایران در برابر دفتر شرکت دولتی ایران ایر در خیابان شانزه لیزه پاریس، تجمعی را در اعتراض به بازداشت خودسرانه و شکنجه روزنامه‌نگاران و وب‌نگاران در ایران که برخی از آنها جان خود را از دست داده و برخی دیگر در خطر مرگ قرار دارند، برگزار کردند.

در این حرکت اعتراضی، پنج نفر از اعضای گزارشگران بدون مرز که همچون زندانی با بدنی زخمی از شلاق و اثار شکنجه، چشم‌بند زده و با زنجیر بر دست و پا، در برابر نمادهای رسانه‌ای (دوربین فیلم برداری، قلم و کاغذ، رادیو و روزنامه) وضعیت امروز روزنامه‌نگاران ایران را تصویر کردند. معترضان پلاکاردهایی با شعارهای " آزادی برای روزنامه‌نگاران ایران"، " نه به شکنجه و انفرادی" و " در ایران ۳۳ روزنامه‌نگار ۱۹ وب‌نگار زندانی هستند"، در دست داشتند.

۲۰ تیرماه ۱۳۹۱ نهمین سالگرد قتل زهرا (زیبا) کاظمی خبرنگار ایرانی‌تبار کانادایی در پی شکنجه اعمال شده از سوی مسئولان قضایی در زندان اوین است. گزارشگران بدون مرز مصونیت از مجازات در ایران و بی‌رحمی دستگاه قضایی علیه روزنامه‌نگاران زندانی را محکوم می‌کند و خواهان توجه بیشتر جامعه جهانی به وضعیت زندانیان در ایران است. گزارشگران بدون مرز هشدار می‌دهد که در شرایط کنونی زندانیان دیگری نیز ممکن است به فهرست قربانیان کشته شده از سوی

شکنجه‌گران اضافه شوند.

« ما نگران جان روزنامه‌نگاران و وب‌نگاران زندانی در ایران هستیم. بسیاری از آنها که بیمار و از نظر روحی و جسمی به شدت ضعیف شده‌اند، امروز یا در همان مکان و یا در همان شرایطی بسر می‌برند، که منجر به قتل زهرا کاظمی شد. ما جامعه جهانی را به ویژه به وضعیت این پنج زندانی، **محمد صدیق کبودوند، بهمن احمدی امویی، آرش هنرور شجاعی و محمد سلیمانی نیا، نرگس محمدی**، که نمونه‌وار شرایط زندانیان ایران هستند، فرا می‌خوانیم. ما خواهان آزادی بدون قید و شرط همه‌ی فعالان عرصه‌ی اطلاع‌رسانی هستیم که تنها برای استفاده از حق آزادی بیان خود بازداشت شده‌اند.»

محمد صدیق کبودوند، سردبیر هفته‌نامه توقیف‌شده‌ی پیام مردم کردستان، بیش از ۴۰ روز است که در اعتراض به تصمیم مقامات قضایی در ممانعت از دیدار با فرزندش که بیمار و در بیمارستانی در تهران بستری است، در اعتصاب غذا بسر می‌برد. این روزنامه‌نگار که از تیر ماه ۱۳۸۶ بازداشت شده است، برای تاسیس سازمانی در دفاع از حقوق بشر در کردستان به یازده سال زندان محکوم شده است. وی از بیماری‌های متعددی از جمله عارضه قلبی رنج می‌برد و در وضعیت نگران‌کننده‌ای بسر می‌برد. این روزنامه‌نگار یکی از قربانیان سخت‌گیری‌های بیرحمانه‌ی مسوولان قضایی است. دستگاه قضایی درخواست‌های مکرر وی برای معالجه و مرخصی را نظام‌مند رد می‌کند.

بهمن احمدی امویی روزنامه‌نگار زندانی که از تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ در زندان بسر می‌برد، در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۹۱ در پی شرکت در مراسمی که زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین، به یاد همبند به قتل رسیده‌شان هدی صابر برگزار کرده بودند، به زندان رجایی شهر منتقل شده است. زندان رجایی شهر یکی از بدترین زندان‌های ایران از نظر خشونت و شکنجه و حتا قتل زندانیان است. روزنامه‌نگار روزنامه‌ی توقیف‌شده‌ی سرمایه، یکی از نمونه‌های آزارهای قضایی مسوولان زندان است، وی در تاریخ ۲۷ خرداد به دادگاه انقلاب برده شد و در بازگشت، در یکی از سلول‌های انفرادی زندان رجایی شهر نگاهداری می‌شود. خانواده تاکنون موفق به ملاقات با وی نشده‌اند و هیچ خبری از وضعیت سلامت او ندارند.

محمد صادق (آرش) هنرور شجاعی، روحانی و بلاگ‌نویس، از تاریخ ۶ آبان ۱۳۸۹ در زندانی است. یک سال پس از زندانی شدنش از سوی دادگاه ویژه روحانیت به چهارسال زندان، هشتصد هزار تومان جریمه نقدی و

۵۰ ضربه شلاق محکوم شد. اتهام وی نوشته‌های وبلاگش و نوشتن در وبلاگی "کفرآمیز" اعلام شده است، اما این وب‌نگار این اتهام را رد کرده است. وی در اعتراض به شرایط بازداشت خود از ده روز پیش دست به اعتصاب غذا زده است. خانواده‌ی وی به شدت نگران وضعیت سلامت او هستند که تاکنون چندین بار دچار حمله‌ی عصبی شده است، و مسئولان زندان از رساندن داروهای لازم به او خوداری می‌کنند.

گزارشگران بدون مرز از بازداشت دوباره‌ی محمد سلیمانی‌نیا مدیر سایت یو ۲۴، در تاریخ ۱۰ تیرماه ۱۳۹۱ مطلع شده است. [این وب‌نگار در تاریخ ۲۰ دی ماه ۱۳۹۰ پس از احضار به دادگاه انقلاب کرج بازداشت شده بود](#)، در تاریخ ۲ خرداد ۱۳۹۱ با سپردن ۴۰ میلیون وثیقه به شکل موقت آزاد شد. مقامات قضایی از دادن هر گونه اطلاعات در باره‌ی علت بازداشت دوباره و محل بازداشت این وب‌نگار به خانواده خوداری می‌کنند. امری که باعث نگرانی شدید خانواده شده است.

نرگس محمدی، روزنامه‌نگار و سخن‌گوی کانون مدافعان حقوق بشر در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۹۱، در زنجان بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. وی پیش از این در تاریخ ۲۰ خرداد تا ۱۱ تیرماه ۱۳۸۹ را در زندان اوین بسر برده بود. که در مدت بازداشت بر اثر فشارهای بازجویی دچار فلج عضلانی شد. وی که به شدت بیمار و تاکنون چندین بار در زندان دچار عارضه شده است، برای "اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور، عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر و فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران"، به شش سال زندان محکوم شده است. در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه، نرگس محمدی را به زندان شهر زنجان منتقل کرده‌اند. با وجود حدت یافتن بیماری وی رئیس زندان به دستور وزارت اطلاعات تا روز گذشته اجازه‌ی انتقال او را به بیمارستان نمی‌داد. نرگس محمدی در تاریخ ۱۹ تیرماه به بیمارستان ولی عصر شهر زنجان منتقل شد. ما خواهان آزادی وی و عدم بازگشتش به زندان هستیم.

رژیم ایران نمونه‌ای استثنایی در مصونیت از مجازات در جهان است

زهرا (زیبا) کاظمی خبرنگار ایرانی‌تبار کانادایی در دوم تیر ماه ۱۳۸۲ در حین عکس‌برداری از تجمع خانواده‌های زندانیان در مقابل زندان اوین بازداشت شد. این روزنامه‌نگار در مدت بازداشت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و در اثر ضربات وارده در ۲۰ تیر ماه در بیمارستان نظامی بقية‌الله اعظم جان سپرد. پس از تلاش اولیه در

پنهان کردن علت واقعی مرگ وی، مقامات رسمی ایران در ۲۵ تیر اعلام کردند که زهرا کاظمی در اثر "ضربه ی مغزی" در گذشته است. پیکر زهرا کاظمی با تعجیل بسیار چهارشنبه اول مرداد ماه ۱۳۸۲ بر خلاف خواست پسرش **استفان هاشمیان** که در کانادا اقامت دائم دارد، در شیراز به خاک سپرده شد. مادر زهرا کاظمی اعلام کرده بود که از سوی مقامات رسمی ایران شدیداً تحت فشار قرار گرفته بود تا موافقت کند دخترش در ایران به خاک سپرده شود. از همان فردای خاکسپاری، استفان هاشمیان تنها فرزند زهرا کاظمی خواهان نیش قبر و انتقال پیکر مادر خود به کانادا است.

وکلاى خانواده زهرا کاظمی در ایران بارها به روند رسیدگی پرونده از سوی دستگاه قضایی انتقاد کرده‌اند. در هیچ کدام از دادگاه‌های برگزار شده به وکلا اجازه داده نشد تا برای روشن شدن حقایق شاهدان خود را که برخی از آنها مسئولان بلند پایه دستگاه قضایی بودند به دادگاه دعوت کنند، از جمله این متهمان، سعید مرتضوی دادستان عمومی و انقلاب تهران که شخصاً در بازجویی از زهرا کاظمی شرکت و بنا به گفته‌ی بسیاری از شاهدان در ماجرای قتل وی دخالت مستقیم داشته است. این متهم به قتل در پناه حمایت دو دشمن آزادی اطلاع رسانی در ایران، **آیت‌الله خامنه‌ای و محمود احمدی‌نژاد**، بهره‌مند از مصونیت کامل، نه تنها مجازات نشده است که ارتقا مقام هم یافته است. وی اخیراً به مدیرعامل صندوق تامین اجتماعی منسوب شده است.

گزارشگران بدون مرز از دادخواهی **استفان هاشمی** علیه مسوولان جمهوری اسلامی ایران در کانادا حمایت می‌کند. فرزند زهرا کاظمی برای بازداشت، شکنجه و قتل مادر خود خواهان دریافت خسارت مادی و معنوی شده است. کانادا و اتحادیه اروپا برای پایان دادن به مصونیت از مجازات باید فعالانه از دادخواست موجه وکلا و خانواده زهرا کاظمی حمایت کنند.

هدی صابر، همکار مجله توقیف‌شده‌ی ایران فردا در تاریخ ۱۲ مرداد ماه ۱۳۸۹ برای سومین بار در کمتر از ده سال، بازداشت و روانه زندان شده بود. وی پیش از این به همراه دو همکار دیگرش رضا علیجانی و تقی رحمانی در ۲۵ خرداد ماه ۱۳۸۲ بازداشت و به مدت سه ماه در سلول انفرادی نگاهداری شده بود. در اردیبهشت ۱۳۸۳ به پنج سال و نیم سال زندان محکوم شده بود. که این حکم سپس به هشت ماه تقلیل یافت. وی همچنین در ۸ بهمن ۱۳۷۹ نیز بازداشت و تا ۲۱ اسفندماه ۱۳۸۱ را در زندان گذارنده بود. **هدی صابر** در تاریخ ۱۲ خرداد در اعتراض به **قتل هاله سجایی** دست به اعتصاب غذا زده بود.

روز جمعه ۲۰ خرداد ۱۳۹۰ هدی صابر با تاخیر بسیار و چندین ساعت پس از تحمل درد به بیمارستان انتقال داده شده است. متأسفانه تلاش پزشکان به نتیجه نرسید و این زندانی سیاسی نیز بر اثر اهمال مقامات زندان در روز شنبه ۲۱ خرداد جان باخت. مقامات مسئول قضایی خبر انتقال به بیمارستان و درگذشت هدی صابر را به خانواده اطلاع نداده بودند.

۶۴ تن از همبندان این روزنامه‌نگار در بند ۳۵۰ زندان اوین یک روز پس از مرگ وی با [انتشار نامه‌ای](#) اعلام کردند که " ما شهادت می‌دهیم هدی صابر در هشتمین روز اعتصاب غذای خود دچار درد در ناحیه سینه و اختلال در سیستم گوارشی شد که در ساعت چهار بامداد جمعه ۲۰ خردادماه برای نخستین بار به بهداری مستقر در زندان اوین جنب بند ۳۵۰ منتقل شد، اما دو ساعت بعد در حالی که از درد به خود می‌پیچید به بند بازگردانده شد و از صدای فریاد او هم اتاقی‌هایش بیدار شده و دور او حلقه زدند در این هنگام صابر گفت: «در بهداری نه تنها هیچ رسیدگی به وضعیتم نشد بلکه مورد ضرب و شتم و توهین قرار گرفته‌ام و توسط مامورانی در لباس پرسنل بهداری از اتاق درمان بیرون انداخته شده‌ام. ما شهادت می‌دهیم هدی صابر که از درد به شدت می‌لرزید و به خود می‌پیچید در اتاق یک بند ۳۵۰ با صدای بلند اعلام کرد که: «از دست آنها شکایت خواهم کرد.»

هاله سحابی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان، در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۹۰ به هنگام بدرقہ پیکر پدرش عزت‌اله سحابی، یکی از رجال سرشناس ایران، که دو روز پیشتر به مرگ طبیعی در گذشته بود، مورد حمله‌ی ماموران امنیتی ایران قرار گرفت و بنا بر اطلاعات بدست آمده از شاهدان حاضر در صحنه، وی بر اثر ضربه‌های وارد شده از سوی یکی از ماموران اطلاعاتی کشته شده است. تا این لحظه مقامات رسمی جمهوری اسلامی هیچ اقدامی برای بررسی چگونگی مرگ وی انجام نداده‌اند. برخی مقامات مسئول در رسانه‌های دولتی مرگ وی را به علت "ایست قلبی" اعلام کردند. پیکر هاله سحابی با اعمال فشار از سوی مقامات امنیتی شبانه بدون بررسی علل مرگ وی به خاک سپرده شد.

در تاریخ ۲۲ تیر ماه پیکر **علیرضا افتخاری**، ۲۹ ساله به خانواده‌اش تحویل داد شد. وی که از روزنامه‌نگاران روزنامه ابرار اقتصادی بود که به مدت ۵ سال با این روزنامه همکاری داشته است. تاریخ درگذشت وی ۲۵ خرداد و علت مرگ ضربه و خونریزی مغزی اعلام شده است. سه سال پس از مرگ وی، چگونگی کشته شدن این روزنامه‌نگار مشخص نشده است. اینگونه نام وی نیز به لیست روزنامه‌نگاران به قتل رسیده اضافه

شده است.

تا کنون عاملان و آمران اصلی مرگ روزنامه نگاران کشته شده در جنایات سیاسی موسوم به "قتلهای زنجیره‌ای"، محمد مختاری، محمد جعفر پوینده، مجید شریف و پیروز دوانی در سال ۱۳۷۷، معرفی و مجازات نشده‌اند. مقامات ایران تاکنون در باره چگونگی کشته شدن آیفیر سرچه، خبرنگار خبرگزاری فرات در تیر ماه ۱۳۸۵ در مرز ترکیه و ایران، سکوت کرده‌اند. آیفیر سرچه، روزنامه نگار و فعال سیاسی کرد تبعه ترکیه اواسط تیر ۱۳۸۵ جهت تهیه گزارشی برای خبرگزاری کردی فرات به مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی در نواحی مرزی ایران و ترکیه رفته بوده و موضوع گزارش او خودکشی زنان کرد در این ناحیه بوده است. وی به هنگام بازگشت به قتل رسیده است.

هنوز تحقیق و بررسی جدی در باره چگونگی مرگ امید رضا میرصیافی نیز انجام نگرفته است. ۸ اسفند ماه ۱۳۸۷ ساعت ۱۲ ظهر امیدرضا میرصیافی در زندان دچار افت شدید فشار خون شده و به درمانگاه اندرزگاه شماه ۷ زندان اوین منتقل می‌شود. وی سپس به بهداری زندان اوین و در آنجا سه ساعت طول می‌کشد تا به بیمارستان لقمان حکیم منتقل شود. یک ساعت بعد پزشکی قانونی مرگ امیدرضا میرصیافی را به علت "مسمومیت دارویی" در اثر خوردن ۵۰ قرص (پراپرانولول) ثبت می‌کند. روز بعد پیکر وی به خانواده برای خاکسپاری تحویل داده می‌شود، اما علیرغم درخواست خانواده و وکیل وی، کالبد شکافی مستقل انجام نمی‌شود. ۲۹ اسفند پیکر امیدرضا میرصیافی در گورستان بهشت زهرا به خاک سپرده می‌شود. در پی شکایت خانواده از مسئولان زندان اوین در آذر ماه ۱۳۸۸ کمیسیون دولتی پرونده پزشکی را بررسی و نظر پزشک قانونی را تأیید می‌کند.